

دکتر عزت‌اله سام آرام

موانع فرهنگی توسعه روستاها

از آن به بعد آنچه که با عنوان عمران روستایی مطرح می‌شد، معمولاً پروژه‌های پراکنده و بدون مطالعه‌ای بود که در برخی از روستاهای در دسترس، کنار جاده یا احتمالاً زادگاه برخی از اشخاص ویژه انجام می‌شد که در بسیاری از موارد وقتی یک پروژه عمرانی به عنوان پدیده جدید وارد روستا می‌شد، به علت این که فرهنگ استفاده و نگهداری از آن در روستا وجود نداشت و یا آموزش داده نمی‌شد، سالها بی‌استفاده می‌ماند و با الی بین می‌رفت و می‌توان گفت که در فرایند اجرا و استفاده از اینگونه پروژه‌های عمرانی در روستاها، «تأخیر فرهنگی» وجود داشت و این مسأله‌ای است که هنوز هم کم و بیش در فرایند توسعه روستاهای کشور ما وجود دارد که در این مقاله بخشی از آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

طرح مسأله:

تاریخچه این موضوع در کشور ما به سالهای بعد از جنگ دوم جهانی بویژه بعد از ورود برنامه‌های اصل چهار (طرح مارشال) به ایران برمی‌گردد که در برخی روستاها ضمن اجرای برنامه‌های مربوط به ریشه‌کشی مالاریا، در مواردی هم در برخی روستاها، پروژه‌های آب لوله‌کشی یا حمام بهداشتی را اجرا می‌کردند که به دلیل عدم مشارکت و حمایت روستاییان در اجرای آن برنامه‌ها، آن اقدامات معمولاً از موفقیت چندانی برخوردار نشد و پس از آن عمران روستایی، دستخوش نظریات و اقدامات بزرگ مالکان هر منطقه شد. از سال ۱۳۲۱ و با شروع اصلاحات ارضی که تا حدودی موجب کاهش نفوذ بزرگ مالکان در روستاها شد که در حقیقت مدیریت روستا را از بین برد، روستاهای کشور بدون برنامه مشخصی رها شدند.

تعریفی که در این مقاله برای توسعه روستایی پذیرفته‌ایم عبارتست از (تعمیر در ساختارهای جامعه روستایی از اجتماع سنتی به جامعه مدرن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی). شاخصهای اصلی مورد نظر عبارتند از: ۱- تولید و اشتغال در روستا، ۲- ویژگیهای جمعیت‌شناختی، ۳- میزان سواد و بهداشت در روستا، ۴- امکانات رفاهی و مسکن در روستا، ۵- ویژگیهای فرهنگی روستا. به نظر محقق، مهمترین عامل برای توسعه روستایی وجود زمینه‌های فرهنگی توسعه روستایی است که بدون آن چنانچه امکانات توسعه اقتصادی هم به روستا وارد شود، نمی‌توان به تداوم و پیاگسترش آن و توسعه روستا اطمینان داشت.

بیان این نظر پیشی بر این واقعیت است که امروزه در اکثر روستاهای کشور ما، در مقابل فرهنگ ایستاده که مربوط به نسل گذشته روستایی است، نوعی (فرهنگ پویا) در نسل جدید روستایی در حال

در این کتاب به بررسی نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی و اجتماعی پرداخته شده است. نویسنده به اهمیت فرهنگ در شکل‌دهی به هویت ملی و توسعه پایدار اشاره کرده است. همچنین به بررسی نقش فرهنگ در جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال پرداخته است. این کتاب برای دانشجویان و محققان حوزه‌های مختلف بسیار مفید خواهد بود.

پذیرفته شدن است که اگر در درون روستا فرصت بروز بیابد و حمایت شود، می‌تواند با تدوین هنجارهای خود، زمینه‌های فرهنگی مناسب برای توسعه روستایی را فراهم نماید و موجب توسعه روستا شود و اگر در درون روستا فرصت بروز نیابد، در این مکان مناسب و همراه نسل جوان از روستا خارج می‌شود و روستا می‌ماند با تعدادی افراد سالخورده و به مرور متروکه می‌شود و با مرگ سالخوردگان، به صورت روستای خالی از سکنه درمی‌آید.

برای ارائه عناصر تشکیل دهنده در فرهنگ ایستا و پویا، از نظریات چند متفکر در زمینه توسعه استفاده می‌کنیم:

● طرح «مارشال» در ایران به دلیل عدم مشارکت روستاییان، ناموفق ماند.

● دکتر حسین عظیمی: مهمترین وجوه تمایز بین «فرهنگی ایستا» و «فرهنگی پویا» در جریان توسعه، نوع نگرش جامعه برانسان، علم، آزادی و رعایت حقوق دیگران است.

- ۱- نگرش به انسان که در جامعه سنتی به صورت طبقاتی است، بر اساس زادگاه خانوادگی، و در جامعه صنعتی به صورت برابری رده‌بندی نشده بر اساس میزان مشارکت در تولید.
- ۲- نگرش علمی که در جامعه سنتی محدود است و علوم در پرده اسرار نهفته هستند در حالی که در برابر جامعه صنعتی نگرش علمی یکی از محورهای پاور فرهنگی است.
- ۳- نگرش نسبت به آزادی که در جامعه سنتی موجود نیست ولی در جامعه صنعتی در حال گسترش است.
- ۴- رعایت حقوق دیگران که در جامعه سنتی محدود است و برخی فشرها فاقد حقوق هستند.

- در حالی که در جامعه صنعتی، گسترده است و مورد پذیرش جامعه مردم
- «راجرز» از بیان ویژگی فرهنگ ایستا، «خرده فرهنگ دهقان» را مطرح می‌کند که مانع است در راه توسعه روستایی. وی عناصر تشکیل دهنده این خرده فرهنگ را به صورت زیر مطرح می‌کند:
- ۱- عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی. ۲- فقدان نوآوری. ۳- تقدیرگرایی. ۴- پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات. ۵- عدم توانایی چشم پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آنی. ۶- کم‌اهمیت دادن به عامل زمان. ۷- خانواده‌گرایی. ۸- وابستگی به قدرت دولت. ۹- محل‌گرایی. ۱۰- فقدان همدلی.

آنچه از اشتراک دو دیدگاه مطرح شده می‌تواند مورد توجه قرار گیرد این است که مهمترین زمینه‌ها برای توسعه اقتصادی، بویژه در روستاها، زمینه‌های

موانع فرهنگی توسعه روستاها

● در استان لرستان کمترین
تزاغها در شهرستانهای بروجرد
و درود اتفاق افتاده و بیشترین
تزاغها در شهرستانهای

سرمایه‌گذاری می‌شود.
● اختلافات باعث ناامنی و
کودمدشت و نورآباد.

ورود تعدادی ماشین‌آلات و ابزارهای مادی و ظاهری توسعه می‌گردد که تغییراتی را هم در ابعاد مادی زندگی مردم ایجاد می‌کند و البته در طولانی مدت، بر اثر نیست ولی بدون زمینه‌های فرهنگی که برای جذب این تغییرات لازم است، احتمالاً موجب عدم تعادلهای شدید در جامعه روستایی شده و مشکلاتی مثل فقر، نابرابری و حتی بیکاری را بیشتر می‌کند. نتایج اجرای برخی برنامه‌های رشد اقتصادی بدون توجه به توسعه اجتماعی و فرهنگی نشان داده است که این گونه روشهای رشد اقتصادی می‌تواند حداقل سه مشکل بوجود آورد:

- ۱- استفاده بی‌رویه از منابع و تخریب محیط زیست.
 - ۲- تهاجم به سنن و ارزشهای معنوی و ملی، سنت شدن همبستگی‌های خانوادگی و احساس ازخودبیگانگی
 - ۳- تفاوت و یا تشدید نابرابریهای موجود در توزیع ثروت و درآمد و فرصتهای اقتصادی و اجتماعی.
- بناچار به این باور بره ارائه چند مانع فرهنگی در مسیر توسعه روستاها می‌پردازیم:
- الف: ازدواجهای زودرس در روستاها به ویژه برای دختران روستایی که از ۱۰ سالگی آماده ازدواج هستند، عجله در باروری نوعروسان روستایی در همان سال اول زندگی مشترک و علاقه به فرزند بیشتر، سه ویژگی فرهنگی است که در روستاها موجب رشد بی‌رویه جمعیت شده و مانع است در جهت توسعه روستاها. چرا که حتی اگر درآمد روستاییان در اثر برخی برنامه‌های رشد اقتصادی، افزایش یابد، نهایتاً درآمد سرانه آنها کاهش خواهد داشت. نمونه آن نتیجه تحقیق (ایکبال سینگ) در تأثیر توسعه اقتصادی، انقلاب سبز هندوستان در روستای «دریا پور کالان» دهلی است که نشان می‌دهد با وجود افزایش درآمد کل خانوار در طول ۷ سال که این تحقیق انجام شده است به علت افزایش بی‌رویه میزان باروری و گسترش بُعد خانوار، میزان درآمد سرانه خانوار در طی همین ۷ سال کاهش یافته است.

فرهنگی است که اگر در بین مردم یک منطقه روستایی بوجود آید، می‌تواند توسعه اقتصادی را به دنبال داشته باشد و بحث ما در این مقاله هم این است که مهمترین موانع توسعه اقتصادی در روستاهای کشور ما، وجود برخی ویژگیهای فرهنگی است که موفقیت برنامه‌های توسعه روستایی را کاهش می‌دهند و به عنوان موانع توسعه، عمل می‌کنند.

روش مطالعه:

داده‌های مورد استفاده در این مقاله، قسمت کوچکی از مجموعه سئوالاتی است که در فرایند یک طرح تحقیقاتی دوساله با عنوان «عوامل مؤثر در توسعه روستایی» توسط محقق در حال اجرا می‌باشد. در جریان انجام تحقیق مورد نظر، مشاهده شد که برخی ویژگیهای فرهنگی در جامعه روستایی وجود دارد که می‌تواند مانع توسعه اقتصادی - اجتماعی در مناطق روستایی بشوند و لذا از طریق مشاهده مشارکتی و در جریان مصاحبه با مردم روستاها و اعضاء شوراهای روستایی، تلاش شد که این ویژگیهای فرهنگی مورد مطالعه فرار گیرد. آنچه در این مقاله ارائه می‌شود، برخی از این ویژگیهای فرهنگی است که به نظر محقق مهمترین موانع فرهنگی در جهت توسعه روستاها است. لازم به تذکر است که بخش عملی تحقیق مورد نظر در استان لرستان انجام می‌شود، لذا مثالهای مقاله بیشتر از استان لرستان و برخی از استان کهگیلویه و بویراحمد انتخاب شده است.

تحلیل موضوعی:

باور ما در این تحقیق بر این اصل است که توسعه در ابعاد مادی جامعه آنگاه جامعه روستایی ایران، بدون توجه به ابعاد فرهنگی توسعه، نمی‌تواند وجود مستحضر باشد، چرا که چنین توسعه‌ای در نهایت شامل

● خان ایل «دشمن زیاری»
بخاطر کوچک و ضعیف بودن
ایل در همه امور، مردم عادی و
عامی را هم شرکت می داده و به

همین دلیل تاریخی، زمینه های
فرهنگی توسعه در بین آنها
نسبت به ایل بویراحمدی بیشتر
است.

ب: نزاعهای محلی، چند دستگی و ناامنی ناشی
از آن در روستاهای ایران. مشاهدات محقق نشان
می دهد که در اکثریت روستاهای ایران، چند دستگی و
کشاکشهای مبتنی بر طایفه گری هر چند به صورت
نهفته، در روابط آنها وجود دارد که می تواند مانع
توسعه اقتصادی و اجتماعی در این گونه روستاها
باشد.

این چند دستگی ها، گاه به صورت نزاعهای محلی
تجلی کرده و موجب ناامنی در روستا می شود. همین
ناامنی موجب می شود که میزان سرمایه گذاری و
توسعه در این گونه روستاها انجام نشود. برای مثال،
رابطه بین میزان نزاعها و عدم توسعه را به روشنی
می توان در روستاهای برخی مناطق استان لرستان
مشاهده کرد.

آمارها نشان می دهد که در استان لرستان در
سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ تعداد ۱۵۲۱ مورد نزاع اتفاق
افتاده است. توزیع میزان نزاعها در شهرستانهای
مختلف استان (شهر و روستا) به این صورت است که
به نسبت جمعیت هر شهرستان، کمترین نزاعها در
شهرستانهای بروجرد و درود اتفاق افتاده و بیشترین
نسبت نزاعها در شهرستانهای کوهدشت و نورآباد به
ویژه در روستاهای شهرستان نورآباد که این نسبت به
حداکثر خود در استان یعنی تا سه برابر متوسط کل
استان افزایش داشته است.

مقایسه میزان نزاعها در شهرستانهای استان
لرستان و میزان توسعه یافتگی در روستاهای تابع آن
نشان می دهد که: هر چه میزان نزاعها بیشتر است،
میزان توسعه یافتگی آنها کمتر است. مثلاً در
روستاهای بروجرد و درود که نسبت نزاعها در
حداقل قرار دارد، نشانه های بسیاری از توسعه
روستایی در مناطق روستایی آنها مشاهده می شود
ولی در روستاهای شهرستان کوهدشت و بویژه
روستاهای شهرستان نورآباد که بالاترین میزان نزاعها
را دارند، میزان توسعه یافتگی روستاها به حداقل
میرسد.

در سایر مناطق روستایی ایران که چند دستگی و
نزاع و ناامنی محلی وجود دارد نیز شاهد
توسعه نیافتگی روستایی هستیم. برای مثال در مناطق
روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد، می دانیم که ۹۰
درصد آبهای رودخانه های استان به هدر می رود.
زمینهای کشاورزی استان از تولید بسیار کمی
برخوردار است «تولید آبی گندم ۲۵۲۰ کیلو در هکتار
و گندم دیم ۱۲۵۰ کیلو در هکتار». یعنی کشت بسیار
ابتدایی، نوع دامداری که در این منطقه وجود دارد نیز
ابتدایی و فاقد تولید مناسب است. سوال ما در این
منطقه این بود که چرا با وجود آب فراوان و تا حدودی
زمینهای کشاورزی مناسب، زراعت و باغداری در
این منطقه رشد نکرده و نظام دامداری به حالت سستی
باقی مانده؟ جوابی که یافتیم این بود که: در این منطقه
وقتی بین دو طایفه نزاع بروز می کند تنها انسانها
نیستند که کشت و مجروح می شوند، بلکه در یک
شب صدها گوسفند مربوط به طایفه مقابل سر بریده
ورها می شوند و صدها درخت از طرف مقابل قطع
می شود. این حالت به صورت شدیدتر در برخی
مناطق استان لرستان هم مطرح بود. طبیعی است که
احساس ناامنی، بر میزان سرمایه گذاری و تغییر در
نظام بهره برداریها تأثیر کند و توسعه را محدود نماید.
البته شکل رفتاری که موجب ناامنی محلی
می شود در سایر مناطق کشور متفاوت است ولی به
نسبت در اکثر روستاها حالت ویژه ای از این وضعیت
وجود دارد که تأثیر آن را می توان در نظام بهره برداری
از زمینهای کشاورزی در قطعات کوچک مشاهده
کرد.

این که اکثر واحدها و بهره برداری کشاورزی به
صورت خانگی مستقل در متراژ ۱۰ هکتار آنها در
قطعات پراکنده و بطور متوسط در هشت قطعه
فعالیت دارند، به نظر محقق همین ویژگی ناامنی
محلی است. مشاهدات ما در روستاهای مناطق
مختلف کشور نشان می دهد که روستاییان، در مورد
یکپارچه کردن زمینهای کشاورزی خودشان احساس

● در اکثر روستاهای ایرانی،
چند دستگی و کشمکشهای
مبتنی بر طایفه‌گری هرچند به
صورت نهفته، در روابط
روستاییان وجود دارد.

مدیریت عشایری و روستایی، بیشتر فراهم شده است. نمونه این دو نوع مدیریت در ایلات و عشایر کشور را می‌توان در کهگیلویه و بویراحمد مشاهده کرد. ایل بویراحمد، بزرگترین و قویترین ایل در بین ایلات ششگانه منطقه، با ایلخان قوی و مهاجم و تشکیلات وسیعی برای تهاجم در اطراف خان و نوع رهبری آن از نوع دیکتاتوری خودکامه است بدون این که عامه مردم ایل را به حساب بیاورند.

اصل حکومت خان خانی در این نوع مدیریتها بر فقیر نگهداشتن مردم ایل بود تا همواره اطاعت کنند. اهم از فقر مادی یا فقر فرهنگی. فاصله خان و کدخدایان، با بقیه مردم ایل بسیار زیاد بود و در دو طبقه کاملاً مجزا که به صورت کاستی عمل می‌کرد. در مقابل آن ایل دشمن زیاری در منطقه کهگیلویه است که یک ایل کوچک و ضعیف است و همواره مورد تهاجم بوده. خان دشمن زیاری در همه امور، مردم عادی و عامی، را هم دخالت می‌داده، دفاع را با کمک همه مردم ایل انجام می‌داده است. فاصله او و کدخدایان با مردم ایل نسبتاً نزدیک بوده. نوع رهبری خان در ایل دشمن زیاری شبیه دموکراسی بوده است. مشاهدات ما نشان می‌دهد که به خاطر همین ویژگی تاریخی که بیان شد، در مقایسه دو ایل، در بین مردم ایل دشمن زیاری، در امور مربوط به توسعه، مشارکت بیشتری وجود دارد و زمینه‌های فرهنگی توسعه در بین آنها نسبت به ایل بویراحمدی بیشتر است.

البته بعد از انقلاب اسلامی، امنیت فراگیر در مناطق عشایرنشین و روستاهای کشور در سطح کلان بوجود آمده و تنها در درون روستاها، گاه و بیگاه نزاعهای محلی متأثر از چنددستگی و نوع مدیریت روستایی مشاهده می‌شود که توسعه درون را در محدوده این گونه روستاها کاهش می‌دهد و امید است با اجرای برنامه‌های فرهنگی در روستاها و عشایر کشور بتوانیم موانع توسعه را به حداقل برسانیم.

نالامنی می‌کنند و لذا ترجیح می‌دهند با همان شکل سنتی در زمینهای کوچک و پراکنده کشت کنند ولی زمینهایشان را با احساس امنیت بیشتری در دست خودشان نگهدارند. این احساس نالامنی، هم مانع توسعه اقتصادی است و هم خودش از ویژگیهای توسعه‌نیافتگی است.

ج: ویژگی فرهنگی دیگری که می‌تواند عامل توسعه اقتصادی در روستاها باشد، گسترش دموکراسی در نظام مدیریت و ساخت سیمای روستاها است.

در زمانی که مدیریت روستاها به عهده خوانین و بزرگان مالکان بود، مواردی مشاهده می‌شد که یک ایلخان عشایری یا یک ارباب روستایی، فردی بسیار مقتدر بود و همیشه نسبت به خوانین همسایه خود حالت تعرض، غارت و سلطه داشته است. جامعه تحت مدیریت او یک جامعه مهاجم بوده و در اطرافیان خان حالت تهاجمی وجود داشته است و حجم جامعه و سرزمینهای آن هم مرتب رو به افزایش بوده است. در این گونه مدیریتها، خان یا ارباب، با روش دیکتاتوری جامعه را اداره می‌کرده و مشارکت اکثریت مردم در امور سیاسی و اجتماعی به حداقل می‌رسیده، حتی در امور تهاجمی هم عده خاصی شرکت داشته و عامه مردم در این گونه امور هم دخالت نداشته‌اند. (آنها فقط برای کارکردن و پرداخت حقوق مالکانه مورد نظر بودند).

در مقابل آن در یک ایل عشایر کوچک یا منطقه روستایی دیگر به علت کوچک بودن طایفه و منطقه، مدیریت خان و ارباب در جهت دفاع از امکانات طایفه بوده و بدیهی است که در حالت دفاع، همه مردم ایل یا روستا با خان و ارباب همکاری داشته و در کارها شرکت داده می‌شدند و نوع مدیریت شبیه روش دموکراسی بوده‌است، در بین آنها تعاون و همکاری و احساس مسئولیت بیشتری حاکم بوده و جهان بینی آنها هم گسترش می‌یافت. شواهد نشان می‌دهد که زمینه‌های فرهنگی توسعه در نوع دوم

کار فرزند زدا

برادر من و من هم که بر کتوفای بشریت وجود آوردیم
است که پدر ما ترین کشورها گذرمانی هستند که کل بشریت
انجام دهنگی آنها را میروند و در خصوص این موضوع
همین از خودی ما می آید و میگویند که میباید این
پای تمام دنیا را که در کشور این سرزمین
میباشد...



پیشگاه علوم انسانی - اطلاعات فرهنگی
موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی